



آیت الله العظمی جواد آملی

# همتایی قرآن و غدیر

غدیر که مهبط امامت است، همانند لیلۃ القدر که مهبط وحی است، از اعیاد برجسته اسلامی است. عید بودن فطر و اضحی و جمعه برای عبادت ویژه‌ای است که در آن ایام الله مطرح است.

نیایش متأثر این روز سپاس خدایی است که ولایت را همانند قرآن حبل متین قرار داد اولاً، و انزال آن را مرز صقع ربوبی و بارگاه ملکوت به کارگاه ناسوت همسان قرآن مجید به صورت آویختن قرار داد نه انداختن ثانیاً، و یک طرف این حبل ناگسستی را همتای قرآن کریم به دست خود گرفت و طرف دیگر آن را در دسترس خاک نشینانی چند قرار داد ثالثاً، و اعتصام آن را همانند دستاویز ساختن عروه الوثقی قرآن حکیم مایه نجات اعلام فرمود رابعاً، و دستور روز غدیر را دعای «الحمد لله الذی جعلنی من المتمسکین بولایه مولانا امیر المؤمنین علیه السلام والائمة من اهل البیت علیهم السلام» از یک سو و عقد اخوت که نماد اتحاد ملی و انسجام اسلامی است، از سوی دیگر قرار داد خامساً.

اهتمام به غدیر که تجلی امامت است، هم به لحاظ خود ولایت است که از اصول رصین و مرصوص مذهب است و هم به لحاظ شرط قبول توحید از یک سو و باب علم نبوت بودن از سوی دیگر است که آن دو همانند معاد از اصول بی بدیل و اولی دین‌اند.

امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «ان للاله الا الله شروطا، وانی وذریتی من شروطها». آنچه از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در حدیث معروف «سلسله الذهب» یاد شده، مصداقی از اصل جامع ولایت است؛ به طوری که بدون اعتقاد به امامت اهل بیت عصمت علیهم السلام، نه توفیق توحید تام حاصل می‌شود و نه تحصیل علوم نبوی میسر خواهد بود.

سرّ کامیابی طبرستان در معارف و حیاتی، داشتن شرط توحید و ورود از باب مآذون است. ممکن است کسی ظاهراً بدون پذیرش امامت به علوم صاحب رسالت دستبرد بزند، لیکن مالک آن علم نخواهد شد و دانش مسروق وی سودمند نمی‌باشد.

آن که باب علوم نبوت است، چنین فرمود: «...نحن الشعار و الاصحاب و الخزنه و الابواب، ولا تؤتی البیوت الا من ابوابها. فمن اتاها من غیر ابوابها، سُمی سارقاً». اثر ضروری شرط توحید و باب علم بودن، این است که شخص غیر معتقد به امامت معصومان علیهم السلام، وارد حصن امن نشد و از امنیت طرفی نخواهد بست؛ چنانچه وارد مدینه علم که همان مدینه فاضله الهی است، نمی‌شود و از «آیه محکمه» و «فریضه عادل» و «سنت قائمه» که تثلیث معهود نبوی و ولوی است، بهره نخواهد برد؛ هر چند مفاهیمی را به ذهن بسپارد؛ زیرا نه اجر رسالت را پرداخت: «قل لا أسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی» و نه به پایه اسلام ایمان آورد: «لکل شیء اساس و اساس الاسلام حبنا اهل البیت».



سر تقابل بین زنده و کافر در آیه «لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین» همین است و راز زنده دلی انسان به حکمت که در کلام نورانی امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که: «...الحکمه الی هی حیاة للقلب المیت و بصر للعین العمیاء...» همین خواهد بود؛ چنان که آن حضرت در کلام دیگر فرمودند: «أحی قلبک بالموعظه».

قرآن و غدیر که متن امامت است و ولایت دوازده معصوم علیهم السلام شرح آن می‌باشند، هر دو جهانی‌اند، هر چند گروه خاصی از آنها بهره‌مندند. گستره جهانی بودن قرآن را از آیات فراوانی مانند: «للعالمین نذیر»، «ذکر للبشر»، «کافه للناس» و «رحمة للعالمین» می‌توان استفاده نمود. چنانچه تلازم حوزه وحی و نبوت نیز شاهد همین گستردگی است.

پهنه عالمی بودن امامت انسان کامل معصوم غدیری را می‌توان از بیان نورانی آن حضرت علیه السلام که فرمود: «إن الله جعلنی اماماً لخلقہ ففرض علی التقدیر فی نفسی و مطعمی و مشربی و ملبسی کضعفاء الناس کسی یقتدی الفقیر بفقری ولا یطغی الغنی غناه» استظهار کرد؛ زیرا سخن از امامت آن حضرت برای مخلوق خداست نه خصوص مسلمانان.

جهانی بودن قرآن از دو منظر قابل ارزیابی است: یکی دعوت همگان به اسلام و ارائه ادله جهانی و دیگری اداره جهان در کیفیت برخورد مسلمانان با اقوام و مللی که بر اثر قصور یا تقصیر اسلام را نپذیرفتند.

بررسی آیاتی که اتحاد و انسجام را در سه سطح محلی، منطقه‌ای و بین المللی لازم دانسته و برای هر کدام حکم خاص صادر فرمودند، شاهد گویای مدعای یاد شده است. غدیر که ساحت امامت است، باید اتحاد و انسجام اسلامی در سطوح سه‌گانه مزبور را طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا نماید تا دو ثقل به جا مانده از حضرت ختمی نبوت صلی الله علیه و آله و سلم، جهانی شدن اسلام را به هر دو منظر عرضه کند.

کلام امیرمؤمنان که ساحت غدیر به نام آن حضرت علیه السلام رقم خورد و متبرک شد، چنین است: «...و لیس رجل فاعلم احرص علی جماعه امه محمد -صلی الله علیه و آله و سلم- و ألتفتاه منی ابتغی بذلک حسن الثواب و کرم المآب».

هیچکس نسبت به وحدت امت اسلامی از صاحب غدیر علاقه‌مندتر نیست؛ زیرا نه کسی مانند آن حضرت در این باره علم صائب دارد و نه کسی در این جهت عمل صالح. احاطه علمی آن حضرت به آثار سوء اختلاف را می‌توان از کلام نورانی آن حضرت استنباط نمود:

«فایاکم و التلون فی دین الله فان جماعه فیما تکرهون من الحق خیر من فرقه فیما تحبون من الباطل وان الله سبحانه لم یعط أحداً بفرقه خیراً ممن مضی ولا ممن بقی». آنچه از این بیان جامع برمی‌آید، این است که سنت الهی که در گذشته و حال و آینده مساوی است، همانا حق، صادق، خیر و حسن بودن انسجام اسلامی و باطل، کذب، شر و فبیح بودن اختلاف است.

همتایی قرآن و غدیر که نماد عترت ائمه اطهار علیهم السلام است، در امور فراوانی است که بارزترین آنها حیات بخشی این دو ثقل خواهد بود؛ زیرا درباره قرآن که عنصر اصلی دعوت حضرت ختمی نبوت است، چنین آمد:

«یا ایها الذین آمنوا استجبوا و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم و اعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه و أنه الیه تحشرون» و درباره امامت از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین رسید: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».

جریان غدیر سلسله جنبان ولایت است، لذا اسامی مبارک امامان معصوم علیهم السلام حتی حضرت مهدی موجود موعود در احتجاج طبرسی در آن یافت می‌شود. حیات برین انسان که حوزه کرامت به آن اختصاص دارد و قلمرو خلافت الهی مختص آن می‌باشد، با کوثر وحی و امامت تأمین می‌شود.

آنچه در وجود علمی قرآن کریم است، در وجود عینی انسان کامل معصوم علیه السلام است. اگر آن کتاب الهی موصوف به: «لا یتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه» است، این امام معصوم [نیز] متصف به آن است؛ امام معصوم از قرآن خبر می‌دهد و خداوند درباره آن کتاب آسمانی چنین فرمود: «اذا قرء القرآن فاستمعوا له و أنصتوا».

قرآن مجید معصوم از هر نقص و مصون از هر عیب است، لذا قائم به نفس و قیم جامعه بوده و به ملت اقوم هدایت می‌کند: «ان هذا القرآن یهدی للئی هی اقوم» امام معصوم که در بامداد غدیر کسوت «هذا علی مولا» پوشید، تا شامگاه معاد به عنایت خداوند وابسته بوده و در هدایت محتاج بشری نبوده و همواره قیم معنوی جوامع بشری است:

«انما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفاؤه علی عباده و لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لا یدخل النار الا من أنکرهم و أنکره»؛ کسی که اهل بیت وحی را که غدیریان خدای قدیرند، به رسمیت بشناسد و مورد شناسایی آن ذوات نورانی قرار بگیرد، وارد بهشت می‌شود، و گرنه گرفتار دوزخ خواهد شد و این مطلب سامی یکی از چند معنای «قسیم الجنة و النار» بودن پرچمداران غدیر است.

راز رهبری قرآن به اتحاد، همانا متحد بودن تمام آیات مکی و مدنی آن است که قریب به ربع قرن متناوباً نازل شد و هیچ اختلافی بین اصول و فروع، جهان‌بینی، جهان‌داری و جامعه‌پروری، عبادات، احکام، عقود و ایقاعات آن نیست: «أفلا یتدبرون القرآن ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً».

همین رمز در امام معصوم علیه السلام که منصوص خدا و منصوب روز غدیر است، وجود دارد، لذا هر امام سابق، مبشر لاحق و هر امام لاحق، مصدق سابق است؛ چنانچه تمام عقاید، اخلاق و اعمال هر کدام منسجم و هماهنگ است و آفت اختلاف نه در درون آنها و نه در بیرون آنان رخنه نمی‌کند.